شاهکار تلاطم در بازار فولاد با وجود تولید مازاد!

رهبر انقلاب اخیرا در دیـــدار با اعضای دولت «رفع ناهماهنگی‌ها در ســـطوح پایین دستی» را برای افزایش و جهش تولید، مهم برشمردند و گفتند: «در بخشهای پایین‌دستی گاهی ناهماهنگی‌های عجیب و غریبی هست. مثلاً یک کارخانه مصرف‌کننده فولاد شکایت می‌کند که ورق فولاد را به من نمی‌دهند؛ ورق فولادی که در داخل تولید می‌شود.»

نابسامانی بازار فولاد که مورد انتقاد رهبر انقلاب هم قرار گرفت طی ماههای گذشته شرایط تولید را برای صنایع پایین دستی بسیار سخت کرده است. پس از بروز انواع و اقسام مشکلات در صنعت فولاد کشـــور برای تأمین مواد اولیه و واسطه‌ای با قیمت مناسب برای صنایع پایین‌دستی، رسانه‌ای نبوده که با تشریح نظام مسائل صنعت فولاد، ضرورت رسیدگی عاجل به این صنعت استراتژیک را فریاد نزده باشد. چـــرا که چرخ بخش قابل توجهی از صنایع داخلی در گروی تأمین انواع مقاطع فولادی است و از سوی دیگر محصولات فولادی در حوزه صادرات غیرنفتی حرف برای گفتن دارند.

بررســـی وضعیت بازار فولاد نشـــان می‌دهد، با وجود آنکه میزان تولید انواع مقاطع فولادی توسط کارخانجات مازاد بر تقاضای داخلی است، کماکان بازار فولاد دچار کسری و تنش در طرف عرضه است؛ گویی کسی از سرنوشت برخی از محصولات تولید شده خبر ندارد!

وقتی سهمیه‌های غیرکارشناسی فولاد از بازار آزاد سر در می‌آورد!

شواهد نشان می‌دهد، واگذاری مقاطع فولادی که برخی با ســـهمیه دولتی در بورس کالا دریافت می‌کنند، با انگیزه دستیابی به سود حاشیه بازار، روانه بازار آزاد می‌شود. این پدیده مخرب علاوه بر تأیید ضرورت بازبینی در سهمیه‌های تخصیصی سامانه بهین‌یاب، تمرکز بر قیمت‌گذاری دســـتوری را نیز عاملی برای فشار تقاضا در بورس کالا معرفی می‌کند.

در همین زمینه کیوان گردان، مدیرکل صنایع فلزی و لوازم خانگی وزارت صمت چندی پیش در یک برنامه تلویزیونی گفت: معاونت امور صنایع وزارت صمت متولی ســـاماندهی طرف تقاضای بازار فولاد شده است و سهمیه‌ها و میزان دریافتی آن‌ها بررسی و میزان خرید و تولید آن‌ها تطبیق داده می‌شود.

بی‌توجهی به ضرورت بازنگری در سهمیه برخی واحدهای تولیدی همچنین سبب شده، نیازمندان واقعی مقاطع فـــولادی ناچار به تهیـــه مواد اولیه از بازار آزاد شـــوند و همین مســـئله به عاملی برای افزایش هزینه تمام شده تولید محصولاتی از قبیل لوازم خانگی، خودروسازی، صنایع غذایی و صنعت ساختمان و تأثیرگذاری مستقیم بر معیشت مردم تبدیل شده است.

در کارخانه‌های تولیدکننده شمش و اسلب فولادی چه خبر است؟

با توجه به کمبود برخی از مقاطع فولادی برای متقاضیان واقعی در پی تخصیص ناعادلانه و محدود این مواد اولیه فولادی توسط سامانه بهین یاب، گمانه زنی‌ها درباره شکل‌گیری جریان زیرزمینی احتکار، فروش در بازار آزاد و حتی صادرات غیرشفاف مقاطع فولادی پررنگ‌تر از قبل شده است.

براساس اظهارات مکرر کارشناسان صنعت فولاد و آنچه پیشـــتر مطرح شـــد، تنها راه رسیدن بازار متلاطم فولاد به آرامش، ملزم شدن تولیدکنندگان به شفاف‌سازی عملکرد و ارائه کلیه محصولات فولادی در بورس کالا اســـت؛ موضوعی که تولید کنندگان فولاد نیز از آن استقبال می‌کنند.

در این باره، رضا شهرستانی، عضو هیئت مدیره انجمن تولیدکنندگان فولاد با اشاره به اینکه همه ورق‌های فولادی باید در بورس کالا به فروش برسد، از ۲ برابر شدن قیمت ورق گرم از بورس کالا تا بازار آزاد خبـــر داده و این امر را موجب ایجاد رانت ۴۰ هزارمیلیارد تومانی در این حوزه دانسته است!

همچنین کیوان گـــردان، مدیرکل صنایع فلزی وزارت صمت با اعلام اینکه باید عرضه‌های فولاد به شـــیوه مچینگ به کلی حذف شود، گفت: ۷ شرکت تولید کننده ورق گرم داریم که ۶ میلیون تن ورق قابل عرضه در بورس دارند و از شـــهریور مکلف شدند که همه ورق گرم تولیدی خود را در بورس عرضه کنند.

وی افزود: ۵ شرکت تولید کننده ورق سرد داریم که ۲/۲ میلیون تن تولید می‌کنند که ۵۰ درصد از این ظرفیت متعلق به شرکت فولاد مبارکه است و همه این شـــرکت‌ها هم مکلف به عرضه محصولات خود هستند.

از این‌رو، ســـتاد تنظیم بازار به جهت ضرورت ایجاد شـــفافیت در عملکرد واحدهای تولیدی در

جدیدترین مصوبه، کلیه شـــرکت‌های تولیدکننده بیلـــت، بلوم و اســـلب را مکلف بـــه ثبت اطلاعات موجـــودی اولیه، تولید، فـــروش، مصرف و گزارش انبارگردانی در ســـامانه‌های جامع تجارت و سامانه جامع انبارها کرده است.

صدای قوه قضائیه هم درآمد!

پیامدهای نابسامانی بازار فولاد به حدی بوده که رئیـــس قوه قضائیه نیز چند روز قبل به آن واکنش نشـــان داد. محمد ابراهیم رئیسی در جلسه شورای عالی قوه قضائیه با اشاره به فساد و انحراف در صنعت فولاد اظهار داشت: «تولید فولاد شرکت‌های داخلی کجا می‌رود که متقاضیان ناچار به تهیه آن تا چند برابر قیمت از بازار سیاه می‌شوند؟ این مسئله برای آحاد مردم یک سوال جدی است. تعزیرات حکومتی و سازمان بازرسی موضوع را پیگیری کنند. اگر تخلف و فساد در این حوزه برای دستگاه‌های مذکور متقن شد، موارد را اعلام کنید.»

آنچـــه از اظهارات رئیس قـــوه قضائیه می‌توان دریافـــت، وخامت بازار فولاد و ضرورت رســـیدگی بلاوقفه به مســـائل و مشکلات این حوزه است. چرا که اساساً اگر مشکلات صنعت فولاد در سطح کلان خسارت‌های اقتصادی و اجتماعی به بار نیاورده بود، قاعدتاً رئیس قوه قضائیه با رویکردی انتقادی به آن ورود نمی‌کرد.

با آمدن سرقینی اوضاع تعدیل می‌شود؟!

پس از آن‌که مجلس به حسین مدرس خیابانی به عنوان سومین وزیر پیشنهادی وزارت صمت در دولـــت دوازدهم رأی اعتماد نـــداد، رئیس جمهور ۲۵ مردادماه در حکمی جعفر ســـرقینی را به‌عنوان سرپرســـت وزارت صنعت، معدن و تجارت منصوب کرد. براین اساس، بهبود وضعیت بازار فولاد یکی از مطالبات مهم از سرپرست جدید محسوب می‌شود.

در همین ارتباط، سرقینی که معاونت امور معادن و صنایع معدنی وزارت صمت را نیز در کارنامه خود دارد، اخیراً در حاشـــیه جلسه هیئت دولت با اشاره به مشکلات پیش‌آمده در بازار فولاد تاکیدکرد: اینکه فولاد ایران بخواهد به صنایع خارج از کشـــور رونق ببخشد هنر نیست، بلکه باید ابتدا به صنایع داخلی رونق بخشیده و سپس مازاد آن صادر شود.

وی افزود: با تصمیمات جدیدی که در حوزه فولاد اتخاذ شـــده و با بخشنامه جدید ابلاغ شده، جلوی صادرات آن دسته از تولیدکنندگانی که تولیدات خود را در بورس عرضه نکرده و صادرات را به تأمین داخل ترجیح دادند، گرفته خواهد شد.

به گفته سرقینی بر اساس بخشنامه ابلاغی اخیر وزارت صمت، واحدهای تولیدی مکلف هستند ۶۰ درصد تولیدات خود را در بورس عرضه کنند و ۴۰ درصـــد دیگر را مجازنـــد در داخل عرضه کرده و یا صادر کنند. به نظر می‌رسد با ارائه بیشتر محصولات فـــولادی در بورس کالا، این محصولات رهگیری و قیمت آنان به مرور نزولی خواهد شد.

براین اســـاس باید دید که آیا اقدامات متناظر بـــا اظهارات ســـرقینی در بـــدو ورودش به وزارت صمت درباره فولاد، آن هم در شـــرایطی که صنایع پایین‌دســـتی فولاد افزایش قیمت را تنها راه چاره برای تأمین هزینه‌های ناشـــی از گرانی مواد اولیه می‌دانند، اوضاع را تعدیل می‌کند یا مصیبت صنایعی که با فولاد ســـروکار دارند، همچنان پابرجا خواهد ماند.

حال که درد و درمان مشـــخص اســـت، عذر و بهانه‌ای برای استمرار وضع موجود پذیرفته نیست و انتظار می‌رود با هم‌افزایی سیاســـت‌گذاران حوزه فـــولاد و همچنین انگیزه بالای سرپرســـت جدید وزارت صمت، بازار نابسامان فولاد بزودی سامان یابد.

خبرگزاری مهر

فناوری‌های برخط کشاورزی راهی برای تحول جدی در زراعت

بشـــر در ادوار گذشـــته با اعمال نوآوری‌هایی درحوزه‌های مختلف شـــاهد تغییـــرات بزرگی در سبک زندگی بوده اســـت. از اختراع ماشین بخار، روبات‌های خودکار، کامپیوتر و دستگاه‌های حساس تشـــخیص و جراحی در پزشکی گرفته تا تغییرات نوین در ارتباطات و فناوری‌های رســـانه‌ای، همگی زندگی بشـــر را دستخوش تغییر کرده‌اند، اما آنچه نسبت به سایر حوزه‌های صنعت کمتر تغییر یافته یا حداقل تغییرات آن کمتر به چشم آمده‌اند حوزه کشاورزی است.

یکی از جنبه‌های سرعت بخشیدن به تغییرات صنعتـــی در هر حـــوزه‌ای، دیجیتالیزه شـــدن آن اســـت؛ یعنی امـــکان انجام کارها با ســـخت‌افزار و اعمال دســـتورات لازم بـــا نرم‌افزارهای مربوطه که این فرآیند به‌خصوص در کشـــورهای توسعه‌نیافته و درحال‌توسعه، گســـترش کمی پیدا کرده است. امـــروزه ظهور فناوری‌هایی کـــه امکان دیجیتالیزه کردن کشاورزی را فراهم کرده‌اند، می‌تواند رشته‌های کشـــاورزی را نیز هم‌راستا با استارت‌آپ‌های حوزه دیجیتال پیش ببرد.

یکـــی از تغییرات نامحسوســـی کـــه درحوزه کشـــاورزی درحال رخ دادن اســـت، اســـتفاده از داده‌هـــای حجیـــم در صنعت کشـــاورزی اســـت کـــه در فناوری‌هایـــی ماننـــد کشـــاورزی دقیق (Agriculture Precision)، نرم‌افزارهـــای مدیریـــت مزرعه، کنترل‌های محیطی، کشـــاورزی ســـلولی (Cellular Agriculture) یا میکرومزرعه، فناوری‌های بسته‌بندی هوشـــمند، دستکاری ژنومی و کسب و کارهـــای مبتنی بر اینترنت (E-grocer Businesses) قابل پیگیری است.

این فناوری‌ها فقط به‌عنوان نوآوری در کشاورزی مطرح نمی‌شوند، بلکه به‌نوعی تعیین‌کننده سرنوشت بشر هستند که مســـتقیما با روش تولید غذا برای جمعیت سروکار دارند. شکست این تکنولوژی‌ها یعنی عدم توانایی برای تامین غذای انسان‌های بیشتر و این نیز یعنی به خطر افتادن امنیت غذایی جهانی.

کشاورزی شهری، طراحی هوشمند و مزارع عمومی در گذشته مردم به‌طور سنتی در باغچه‌های خود محصولات متنوعی را پـــرورش می‌دادند، اما با تغییر سبک زندگی در شهرها و متراکم شدن فضای شهری تولید محصولات کشاورزی به خارج شهر منتقل شد. با این‌وجود، مناطق شهری نیز با استفاده از نوآوری‌هایی (نظیر روش کشاورزی عمودی) ظرفیت عظیمی برای تولید غذای بشر دارند و این موضوع نه‌تنها از نظر وجود فضاهای زیاد، بلکه از نظر امکان دسترســـی به منابع، امکان مدیریت آســـان، اصلاح محیط‌زیست شهری و اطمینان از سلامت محصول حائز اهمیت است.

کشت و کار شهری یک سنت باستانی است. مناطق کشت و کار شهری زمین‌هایی در داخل شهر هستند که توسط شهرداری یا شرکت‌های خصوصی قطعه‌بندی شده و افراد می‌توانند برای مدت مشخصی این قطعات را اجاره کرده و محصولات کشـــاورزی خودشان را در آن تولید کنند. این ســـنت نوعی هویت شـــهری به کشـــاورزی می‌بخشد و می‌تواند در روحیه شهروندان تاثیر مثبت زیادی داشته باشد و نوعی تمرین ذهنی و فرهنگ‌سازی برای ارزش قائل شدن به کشاورزی در شهرهاست زیرا شهروندان می‌توانند با زحمات تولید محصولات کشاورزی آشنا شوند.

یکی از بهترین مدل‌های کشـــت و کار شهری در انگلیس مربوط به شهر تادموردن (Todmorden) است. پروژه زراعت شـــهری در سال ۲۰۰۸ آغاز شد و چهل ناحیه برای کشت و کار در این شهر در نظر گرفته شد. تولید در این مناطق کاملا رایگان بوده و کار توســـط داوطلبان انجام می‌شود. این داوطلبان فارغ‌التحصیلان هنرســـتان‌های کشـــاورزی، متخصصان کشاورزی یا کشاورزان هستند که وظیفه آموزش شهروندان را نیز بر عهده دارند. پس از اتمام آموزش، هر شهروند می‌تواند تولید محصول خاصی را بر عهده بگیرد و پس از تولید فروش توسط عوامل اجرایی (شهرداری یا شرکت‌های خصوصی) انجام می‌گیرد و ســـود حاصل بین عوامل تقسیم می‌شـــود. این کار ترویج کشاورزی در جامعه، افزایش تولید، کاهش هزینه‌ها، افزایش سرانه پارک‌ها و... را به‌دنبال دارد.

پهپادهای مخصوص مزرعه

بنا به گفته مراکز تحقیقاتی، طی ســـال‌های اخیر جمعیت زنبورهای جهان درحال کاهش است و دلیل آن گرمایش زمین، آلودگی هوا و گســـترش شـــهرها است. وجود زنبورها برای تولید محصولات کشاورزی به‌واسطه باروری گیاهان با گرده‌افشانی ضروری است و همین موضوع باعث شـــد تا برخی محققان به فکر گرده‌افشـــانی مصنوعی گیاهان در مزرعه بیفتند که نتیجه آن اســـتفاده از پهپاد برای گرده‌افشانی بود! اما این پهپادها قبلا برای نقشـــه‌برداری از مزارع، بررسی وجود آلودگی و آفات در مزارع، سنجش زمان آبیاری و برداشت و... استفاده شده‌اند و رفته‌رفته بر تنوع موارد استفاده از این پهپادها و توانایی آنها در کارهای مزرعه افزوده شد. تاثیر این فناوری در آینده کشاورزی قابل صرف‌نظر نیست.

هوش مصنوعی و اتوماسیون مزرعه

اکثر مردم با تکنولوژی شـــرکت گوگل در ساخت خودروهای بدون سرنشین که از جاده‌ها تصویربرداری می‌کنند، آشنا هستند. این فناوری از هوش مصنوعی بهـــره می‌برد و حالا دانشـــمندان معتقدند می‌توان از این فناوری‌ها نیز در مزرعه اســـتفاده کرد. برای مثال شرکت Smart Ag، تراکتورهایی تولید کرده که بدون نیاز به راننده می‌توانند بهترین الگوی اجرای عملیات روی خاک مزرعه را اعمال کنند. چنین نرم‌افزارهایی کمک می‌کند تا تجهیزات موجود در مزارع بدون نیاز به تغییرات زیاد کارآیی بیشـــتری برای انجام کارهای کشاورزی پیدا کنند و این کار با گسترش اینترنت اشیا قابل‌اجرا خواهد بود.

همچنین با وجود اینکه اکثر مردم بلاک‌چین را با کاربردهای آن در تولید ارزهای الکترونیکی می‌شناسند، اما دنیای کشـــاورزی نیز درحـــال بهره‌گیری از این فناوری است.به‌طور مثال، شرکت Louis Dreyfus یکی

از شرکت‌های چندملیتی بازرگانی، از فناوری بلاک‌چین برای تجارت خود اســـتفاده می‌کند و تاکنون توانسته ۶۰۰ هزار تن محصول کشـــاورزی (شامل سویا) را در ســـال ۲۰۱۷ در چین بفروشـــد.این فناوری می‌تواند از تمرکزگرایـــی تجاری در کشـــورهای دارای انحصار جلوگیـــری و قراردادهایـــی با منفعت مناســـب را در هرجایـــی از جهان طرح‌ریزی کند. یکی از راهکارهای این روش، پیگیری تراکنش‌های مربوط به کشاورزی و زنجیره تولید است. از این طریق می‌توان مقدار فروش محصولات کشاورزی در مکان‌های مختلف را به‌دست آورد و بهترین برنامه کشت تا برداشت را برای هر ناحیه جغرافیایی ارائه داد تا با بهترین قیمت و بالاترین کیفیت به نزدیک‌ترین بازار ارائه شوند. شعار کاربران این فناوری چنین اســـت «هیچ باری روی زمین نمی‌ماند - تمام محصولات در هر زمانی در دسترس هستند.»

از ســـوی دیگر،به‌تازگی دانشـــمندان شـــروع به اســـتفاده از فنـــاوری ویرایـــش ژنومی بـــرای تولید محصولات کشاورزی برتر کرده‌اند. این فناوری که به نام CRISPR\Cas۹ معروف است به ادعای دانشمندان می‌توانـــد محصولاتی باکیفیت بیشـــتر و با تولید بیشـــتر را بدون اینکه خطرات مربوط به مهندسی ژنتیک سنتی را یدک بکشد، به‌دنبال داشته باشد. برای مثال دستکاری میکروب‌های موجود در معده گاو به کمک کریســـپر باعث شده تا گاوهای حامل این میکروب‌های مفید، میزان تولید گوشت و شیر بیشتری داشته باشند.این تغییرات در میکروب‌های معده گاو با هدف تولید متان کمتر نیز انجام شده کـــه با موفقیت همراه بوده اســـت. ویرایش ژنومی تجاری گیاهان نیز طی ســـه سال اخیر آغاز شده و به‌نظر می‌رسد به‌زودی شاهد ورود نسل جدیدی از محصولات کشاورزی به بازار باشیم.

نوآوری‌های یادشده، موارد معدودی از دریای بی‌انتهای نوآوری‌های تاثیرگذار ممکن در کشاورزی هســـتند که در سال‌های آینده خودنمایی خواهند کرد. این فناوری‌ها بهره‌وری استفاده از زمین و منابع طبیعی را بیشینه کرده و موجب می‌شوند زمین با تحمل فشاری کمتر، بستری مناسب‌تر برای زندگی آینده بشر و نیازهای حیاتی وی باشد.

ظرفیت‌های کشاورزی موجود در ایران، وجود اســـتعدادهای جوان و به روز و حمایت همه جانبه از شرکت‌های دانش‌بنیان فرصت‌هایی هستند که با تکیه بـــر آنها می‌توان آینده امیدبخشـــی برای کشـــاورزی متصور شـــد، اما این رهیافت مستلزم مدیریت صحیح منابع، پذیرش ریسک و اطمینان به نیروهای جوانی است که با استفاده از فناوری‌های به روز جهان، می‌توانند تغییرات بزرگی در روش‌های کشاورزی فعلی ایجاد کنند.

مجتبی پویان مهر

مناطق آزاد ابزاری برای قاچاق کالا و فرار مالیاتی

در حال حاضر مناطق آزاد تجاری به جای تبدیل شدن به محلی برای تولید و صادرات کالای ایرانی بـــه بازارهای خارجی، به مکانی برای رجوع مردم ایران و خرید کالای خارجی تبدیل شـــده‌اند. این مناطق همچنین نقشی غیرقابل انکار در تســـهیل فرآیند «قاچاق کالا به کشـــور» و «فرار مالیاتی شرکت‌ها» دارند.

به گزارش عیارآنلاین، شـــهریور ماه ۱۳۷۲ بود کـــه قانون ایجاد مناطـــق آزاد تجاری و صنعتی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. هدف اصلی از راه‌اندازی مناطق آزاد تجاری و صنعتی، افزایش تولید و صادرات، جذب سرمایه خارجی، انتقال فناوری و محرومیت زدایی بود؛ اما با وجود اعطای معافیت‌های گسترده از سوی دولت به این مناطق، موفقیتی در این زمینه‌ها بدســـت نیامده است؛ به طوریکه سهم مناطق آزاد در صادرات کشـــور ۲ درصد، در جذب ســـرمایه خارجی ۵ درصد و در ایجاد اشتغال کمتر از ۳ درصد اســـت و این مناطق در مواردی همچون جذب فناوری خارجی و محرومیت زدایی نیز ناکام بوده‌اند.

نقش مناطق آزاد تجاری در تسهیل ورود قاچاق کالا به کشور

اما مشـــکلات مناطق آزاد به عدم تحقق اهداف تعیین شـــده ختم نمی‌شـــود؛ وجود این مناطق در نقاط مرزی کشـــور به بستری برای ورود بی‌ضابطه کالاهای خارجی به کشور و همچنین سوءاستفاده از معافیت‌های مالیاتی اعطا شده به این مناطق تبدیل شده است. بر اساس قانون با اتکا به ماده «۱۳» قانون مربوط به مناطق آزاد، تمام اشخاص حقوقی و افراد حقیقی که در این مناطق به فعالیت‌های اقتصادی مشغول‌اند، از تاریخ مندرج در مجوز بهره‌برداری آنها تا ۲۰ سال پس از آن از معافیت مالیاتی برخوردار شدند.

همزمـــان با این اتفاق، واحدهـــای صنعتی زیادی در مناطق آزاد و ویژه مستقر و از امتیازهای آن بهرمنده شدند. واحدهای صنعتی که به دلیل عدم نظارت دســـتگاه‌های مســـئول از مأموریت اصلی مناطق آزاد و ویژه که صادرات بود، فاصله گرفتنـــد و کالاهای تولیدی خود را روانه بازار داخل کردند. موضوعی که ســـید ناصر موسوی لارگانی، عضو کمیســـیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی درباره آن گفت: «درحال حاضر مناطق آزاد، محلی برای واردات کالا به کشـــور شده است. این موضوع عدم شفافیت را به دنبال داشته و امکان رقابت تولیدکننده‌های داخلی را با واحدهای تولیدی مستقر در مناطق آزاد را گرفته است».

معافیت مناطق آزاد از پرداخت حقوق گمرکی

بر اســـاس قانون کالاهای وارداتی به مناطق آزاد از پرداخت حقـــوق گمرکی معاف هســـتند؛ اما این معافیت تنها مختص کالاهایی است که برای استفاده در داخل مناطق آزاد به این مناطق وارد می‌شـــوند و بـــه این‌ترتیب هرکالایی که از منطقه آزاد به منطقه اصلی کشـــور منتقل شـــود و در این فرآیند حقوق گمرکی پرداخت نکنـــد، عملاً هیچ تفاوتی با کالای قاچاق ندارد. ســـهولت در واردات کالا به مناطق آزاد موجب شده‌است بسیاری از قاچاقچیان کالاهای خود را به این مناطق وارد و در آنجا انبار نمایند و در ادامه بـــه روش‌های گوناگون و کم هزینه دیگری کالاهای خود را به داخل سرزمین اصلی برسانند.

نقش مناطق آزاد تجاری در تسهیل فرار مالیاتی

از آنجا که یکی از کارکردهای اصلی اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده شفاف‌سازی جریان کالا و خدمات در اقتصاد است، معافیت مناطق آزاد ضربه مهلکی به این هدف وارد می‌ســـازد زیرا یکپارچگی زنجیره عرضه کالا و خدمات را قطـــع می‌کند و منجر به عدم دسترسی به اطلاعات ناشی از مبادلـــه کالا و خدمات در بخش قابل توجهی از قلمرو جغرافیایی کشـــور می‌شـــود که به معضل فرار مالیاتی، قاچاق و پولشویی دامن می‌زند. بر اساس گزارش نهادهای نظارتی، ایجاد شرکت صوری در مناطق آزاد و فعالیت آنها در سرزمین اصلی، یکی از شیوه‌های رایج فرار مالیاتی است که به دلیل عدم شفافیت و عدم استقرار سامانه‌های نظارتی در این مناطق اتفاق میفتد.

به‌عنوان نمونه بر اســـاس اظهارات رئیس وقت سازمان بازرسی کل کشـــور در سال ۱۳۹۵، بیش از ۲۸۰۰ شـــرکت با یک آدرس و یک کدپستی در منطقـــه آزاد کیش به ثبت رســـیده بود. ثبت یک شـــرکت در منطقه آزاد و فعالیت در سرزمین اصلی به این معنی است که عملاً معافیت مالیاتی اعطا شده به منطقه آزاد به کلی مســـیر انحرافی را طی کرده و تنهـــا نتیجه آن کاهش درآمدهای مالیاتی دولت بوده است.

اصلاح سیاست‌های اقتصادی ضرورتی انکارناپذیر

فضای کســـب‌وکار در ســـطح صنایـــع بزرگ و یا صنایـــع کوچک متأثر از سیاســـت‌گذاری‌های کلان اســـت. سیاســـت‌هایی که می‌تواند به نظام فکری برنامه‌ریزی و بازار و رابطه این دو با یکدیگر به معنای نسبت‌هایی که در اختیار دارند، مرتبط باشد. زیرا سیاست‌گذاری‌های کلان مزیت‌های بخشی را هم شکل داده و آنها را دستکاری می‌کند.

اتمسفر اقتصاد کشور را عناصر مرئی و نامرئی که مجموعه قوانین نوشته و نانوشته حاکم بر اقتصاد ایران است تشکیل می‌دهد که آنچه می‌بینیم ماحصل وجود این متغیرها اســـت، و اگر کسی از خروجی کار راضی نیست، بعید است تعداد قابل توجهی افراد راضی از وضعیت اقتصادی کشور یافت شود؛ طبیعتاً با تداوم سیاست‌های کنونی مخالفت می‌کند و با تکرار یک روش نمی‌توان خروجی متفاوتی را انتظار داشت. سیاســـت‌گذار در بخش اجرایی کشور سرنوشت همه بخش‌های دیگر را هم رقم می‌زند، حتی اگر بر آنها تسلط مدیریتی نداشته باشد.

جنگ ارزی با تغییر مزیت‌های قیمتی بر بهینه بودن یا نبودن صنایع اثرگذار است و باعث خروج یا ورود شرکت‌ها از (به) صنعت می‌شود. معاهده‌های تجاری دو یا چندجانبه که متأثر از اولویت‌های راهبردی بین کشورها تدوین می‌شود بر سرنوشت صنایع اثر دارد و ممکن است مزیت‌های سیاسی بر اولویت‌های اقتصادی غلبه پیدا کند. سیاست‌گذاری بانک‌های مرکزی در میزان نرخ بهره و نوع توزیع پول بر بخش واقعی اقتصاد اثر مستقیم دارد و در ایالات متحده از دوره رونالد ریگان؛ مدیریت اشتغال هم به وظایف فدرال رزرو اضافه شده است که اهمیت نهاد کنترل‌کننده حجم پول را نشان می‌دهد. سیاست‌های مالیاتی هم طبیعتاً بر مزیت به‌عنوان شاخص تعیین‌کننده در سرنوشت شرکت‌ها اثر مستقیم دارد.

به همه این عناصر باید برداشـــت عمومی از شفافیت و حرمت قانون را هم اضافه کرد که باعث شکل‌گیری تصویر آینده در ذهن فعالان اقتصادی می‌شود. هر قدر فعـــالان اقتصادی بتوانند تصویر بهتری (نزدیک بـــه واقع) را از آینده پیش‌سازی کنند، بهتر می‌توانند اقدام به برنامه‌ریزی کرده و در فرآیند کنش‌های اقتصادی مشارکت نمایند. به تازگی قوه قضائیه ابلاغی به نهادهای زیرمجموعه مانند ســـازمان بازرسی کل کشور مبنی بر تسریع سامانه‌های شفافیت‌زا انجام داده است که به کاهش عدم تقارن اطلاعات می‌انجامد. این دستور می‌بایست ۳۰ سال پیش ابلاغ می‌شد.

وجود یا عدم وجود دکترین کلان در اقتصاد کشـــور باعث می‌شود تا همه تصمیم‌گیری‌ها در راســـتای آن و یا بی‌ارتباط با آن انجام شـــود. کشـــوری که به‌دنبال تولید باشد به‌دلیل گرانی ۲ ماهه در قیمت برخی کالاها فرمان واردات و منهدم کردن مزیت تولیدکنندگان ایرانی را صادر نمی‌کند. تقریبا به‌طور متوالی شـــاهد این پدیده هستیم که ۲ ماه مانده به برداشت فلان محصول کشاورزی (پیاز، سیر، پرتقال و چندین مثال دیگر) گرانی در قیمت این محصولات پیش می‌آید که واکنش تکراری سیاســـت‌گذار؛ صدور دستور واردات و از بین بردن مزیت‌های قیمتی کشـــاورزان ایرانی است. در حالی که گرانی کالا در پیش از فصل برداشـــت امری طبیعی است و نمی‌تواند توجیه‌گر واردات بی‌رویه باشد و بی‌صبری معمولاً کمتر از ۲ ماهه سیاست‌گذار و نخبگان سیاسی، زیان سنگین اقتصادی به بار می‌آورد.

پس از ۲ ســـال کشمکش غیرضروری، سیاست بازنگری ۳ ماهه در قیمت خودروهای تولید داخل اعلام شد. در کشوری که تورم نزدیک به ۵۰ درصدی را تجربه کرده اســـت چگونه می‌توان قیمت یک یا چند کالا را تثبیت کرد؟ تا پیش از اتخاذ سیاســـت تجدیدنظر ۳ ماهه در قیمت‌گـــذاری خودرو به مدت تقریبا ۲۰ ماه قیمت خودرو تثبیت (افزایش اندک سالانه) شده بود. مواد اولیه مورد نیاز برای تولید خودرو مانند قطعات که به شدت متأثر از قیمت ورق‌های فولادی اســـت مشمول صدها درصد افزایش قیمت شده است، اما سیاستگذار اصرار داشـــت قیمت خودرو ثابت بماند که نتیجه آن زیان خودروسازان و ماده ۱۴۱ شدن آنها و عدم رسیدن قطعه‌سازان به مطالباتی بود که از خودروسازان به‌دلیل فروش قطعات داشتند.

معنای همه این گزاره‌ها این است که در صنعت و در کشاورزی با یک نوع پوپولیسم روبه‌رو هستیم که تصمیم را به تاخیر می‌اندازد تا زیان کار به شدت افزایش یافته و یقین عمومی درباره مضرات سیاست اعمال شده ایجاد شود. این کار باعث می‌شود نتوان از مزیت‌های فهم سریع اتفاقات بهره برد و هر کاری را با حداکثر زیان ممکن انجام داد. منطق پنهان این نوع سیاست‌گذاری اقتصادی این است که مقصری پیدا نشده و هیچ‌کس مسئولیت امر واقع را برعهده نمی‌گیرد و مدیران شجاع به تدریج از صحنه مدیریتی کشور محو می‌شوند.

در داستان تلخ و حیرت‌آور دلار ۴۲۰۰ تومانی هم شاهد این پروژه هستیم. در حالی که همه یا بخش قابل توجهی از کارشناسان و سیاست‌گذاران می‌دانستند نـــرخ دلار را نمی‌توان در پیش از اعداد بالاتر از ۱۲ هزار تومان تثبیت کرد، اما بـــازی تثبیت نرخ ارز با سیاســـت دلار ۴۲۰۰ تومانی طراحی و به قیمت زیان تقریبا ۳۰ میلیارد دلاری اجرا شـــد. اگر در کوتاه‌مدت اعلام می‌شد(رســـمی یا غیررسمی) که قیمت دلار را نمی‌توان در محدوده‌های زیر ۵ هزار تومان تثبیت کرد، حتی فضای کارشناســـی کشور هم با موضوع پوپولیستی برخورد کرده و اصول اقتصاد کلان را نادیده می‌گرفت. آیا می‌توان در اقتصادی که حجم پول در آن ۴ برابر افزایش یافته اســـت (تا پایان ســـال ۱۳۹۷) قیمت یک کالا (در اینجا نرخ ارز) را افزایش نداد؟

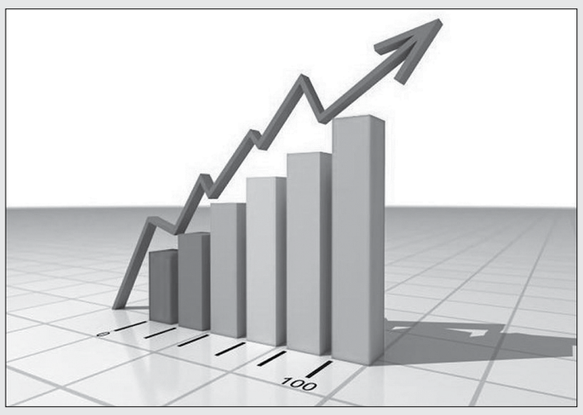

آیا می‌توان در شرایطی که قیمت ارز ۶ برابر شده است (تا تابستان ۱۳۹۹) قیمت خـــودرو را افزایش نداد؟ آیا با تورم ۵۰ درصدی و افزایش نرخ ارز بیش از ۶ برابری و اثر مســـتقیم آن با نهادهای دامی، می‌توان قیمت مرغ را افزایش نداد؟ پاســـخ همه این سؤال‌ها روشن است، اما در هر بحرانی که پیش می‌آید؛ تمام اشـــتباهات گذشته تکرار شده و گویا چیزی به اسم حافظه تاریخی وجود ندارد. حاکم شدن پوپولیسم محض بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی ستون فقرات اقتصاد کشور را شکسته و هر عملی را با بالاترین هزینه ممکن انجام می‌دهد. در حالی که در سیاست‌گذاری کلان و شرکت‌داری، هنر؛ انجام کار با کمترین هزینه ممکن است.

سرچشـــمه علت و معلولی همه بحران‌ها در اقتصاد ایران بی‌قانونی در بازار پول است که گویی نباید مشمول هیچ نوع قاعده و قانونی باشد. این بی‌قانونی در بازار پول با انبوه قوانین مزاحم در بازار کالا تکمیل شـــده است و اگر دولتی بخواهد اصلاحی اساسی در اقتصاد ایران انجام دهد، می‌بایست سیاست توامان مقررات‌زایی در بازار پول و مقررات زدایی در بازار کار را در دستور کار قرار دهد.

سیاست‌گذار؛ سرچشمه تولید تورم که حجم پول و کیفیت توزیع پول خلق شـــده است را رها کرده و بر معلول‌ها که افزایش قیمت کالاهای مختلف است متمرکز شده که نتیجه آن پوپولیستی شدن فضای کارشناسی کشور و اعمال سیاست‌هایی است که هزینه‌های فراوان ایجاد کرده و تا لحظه تبدیل شدن به خسارت محض در معرض بازنگری قرار نمی‌گیرند. سیاست‌هایی که دلار ۴۲۰۰ تومانی در راس آن و قیمت‌گذاری‌های نمایشـــی و خسارت‌بار در صنایعی مثل خودرو در پایین دست آن قرار می‌گیرند.

برای پایان دادن به این فرآیند خســـارت بار که هر چند ســـال یک‌بار تکرار می‌شود، اصرار بر مبانی کارشناسی و تلاش گسترده برای اقناع نخبگان با کمک سیاست‌گذاران و رسانه‌ها امری ضروری است که در صورتی انجام نشدن، به روند گران اداره کردن کشور تداوم خواهد بخشید. در همه این مراحل دستگاه اجرایی در راس کار و دستگاه‌های قانونگذاری و قضایی حامی و در کنار آن هستند.

عطا بهرامی